

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال دوازدهم شماره ۴۶ تابستان ۱۳۹۶

عملکرد خانواده اصلی، تمایز یافتگی خود و دلبستگی به خدا در دانشجویان با و بدون شکست عاطفی

نادر حاجلو^۱

مه‌ری مولایی^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مقایسه عملکرد خانواده اصلی، تمایز یافتگی خود و دلبستگی به خدا در دانشجویان با و بدون شکست عاطفی بود. طرح پژوهش، از نوع علی-مقایسه‌ای (پس رویدادی) است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانشجویان دانشگاه‌های شهر اردبیل می‌باشد که ۱۰۰ نفر دانشجوی بدون شکست عاطفی (۵۰ نفر دانشجوی دختر، ۵۰ نفر دانشجوی پسر) و ۱۰۰ نفر دانشجوی با شکست عاطفی (۵۰ نفر دانشجوی دختر، ۵۰ نفر دانشجوی پسر) به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از مقیاس ضربه عشق، پرسشنامه‌های عملکرد خانواده اصلی، تمایز یافتگی خود و دلبستگی به خدا استفاده شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌های به‌دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS، تجزیه و تحلیل شد. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد که بین دانشجویان با و بدون شکست عاطفی، در چهار زیرمؤلفه ارتباط، آمیزش عاطفی، ایفای نقش و حل مشکل از هفت زیر مؤلفه عملکرد خانواده اصلی، در زیر مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود و دلبستگی به خدا تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر و نقش عوامل روانشناختی/ خانوادگی/ مذهبی مؤثر بر شکست عاطفی، ارائه آموزش‌های لازم به خانواده این دانشجویان و تقویت بنیه مذهبی و فردی برای مقابله با عوارض ناشی از آن حائز اهمیت است.

واژگان کلیدی: تمایز یافتگی خود؛ دلبستگی به خدا؛ عملکرد خانواده اصلی؛ شکست عاطفی

Email:Hajloo53@gmail.com

۱- استاد روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل

مقدمه

بسیاری رابطه عاطفی را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زندگی انسان‌ها دانسته و آن را معنادارترین منبع بهزیستی در نظر می‌گیرند، با این وجود تمامی روابط، موفقیت‌آمیز نبوده و شکست در آن‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است (فهمی، ۲۰۱۵). یکی از جنبه‌های زندگی دانشجویی، فرصت ملاقات و برقراری ارتباط با افراد از فرهنگ‌های مختلف است و این تعاملات متقابل مبتنی بر آگاهی فرهنگی - اجتماعی متفاوت از تفکرات، احساسات، و اعمالی است که افراد درباره نیازهای‌شان خصوصاً درباره عشق و روابط عاطفی دارند، (کلاین، هورتون، زانگ، ۲۰۰۸). در نتیجه برقراری ارتباطات بین فردی در این دوران برای تشکیل روابط عاطفی و دوستی برجسته است (لارسن، فورمن، مونی، ۲۰۰۶). در کنار این روابط، احتمال شکست نیز وجود دارد. در پژوهش‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۲۲ درصد دانشجویان در سال ۸۳ و ۲۱ درصد در سال ۸۴ اظهار کردند که اخیراً تجربه شکست در روابط عاطفی را داشته‌اند. چنین شکستی شدیداً می‌تواند در افت تحصیلی نقش داشته و دانشجویان را دچار ضربه عشقی کند. ضربه عشق مجموعه علائم و نشانه‌هایی است که پس از قطع یک رابطه رمانتیک بروز می‌کند، این علائم، عملکرد فرد را در زمینه‌های تحصیلی، اجتماعی، بین فردی، و شغلی تحت‌الشعاع قرار داده، و مدت زمان زیادی این نشانه‌ها تداوم می‌یابند (راس، ۱۹۹۹). این فروپاشی، معمولاً با افسردگی و خشم (اسبارا، ۲۰۰۶)، احساس ناامنی (دیویس، شاور، ورنون، ۲۰۰۳)، درماندگی، گناه، ترس، ناامیدی، بدبینی، تنش، آسیب‌پذیری، فقدان تمرکز، امیدواری، انگیزه و انرژی، نشانه‌های جسمانی مثل سردرد و اختلال در خواب، بی‌اشتهایی یا پرخوری، تغییراتی در میل جنسی، بی‌حوصلگی، خستگی، و کندی کلامی - حرکتی همراه است.

یکی از متغیرهایی که در روابط بین فردی مخصوصاً در روابط با جنس مخالف به آن پرداخته می‌شود، تمایز یافتگی خود است. تمایز یافتگی خود توانایی یک شخص در حفظ فردیت و استقلال خود در روابط صمیمانه با دیگران است (کرو بوئن، ۱۹۸۸). افرادی که

سطوح بالایی از خود- تمایز یافتگی دارند نسبت به افراد کمتر متمایز یافته، واکنش پذیری هیجانی کمتری دارند، در روابط خود با دیگران کمتر دچار هم آمیختگی شده، و توانایی بیشتری در اتخاذ جایگاه من دارند (بوئن، ۱۹۷۸).

فرض بوئن (۱۹۷۸) بر این است که سطوح بالاتر تمایز یافتگی خود با سطوح بالاتر عملکرد کلی، روانی و فیزیولوژیکی در ارتباط است و افراد تمایز یافته، از سلامت روانی بیشتری برخوردارند. شواهد تجربی به طور گسترده از تأثیر سطح تمایز خود بر ابعاد سلامت روان و نشانگان اختلالات روانی سخن به میان آورده اند و تمایز یافتگی خود را عامل مهمی در ارتقای سلامت روان دانسته اند (هوپرو دی پوی، ۲۰۱۰؛ چانگ و گیل، ۲۰۰۶؛ ویلیامسون، سندیک و لی، ۲۰۰۵؛ اسکورون، وستر و آزن، ۲۰۰۴؛ جانسون و بابلتز، ۲۰۰۰).

یکی از پیش‌آیندهای موثر در شکل‌گیری تمایز خود، خانواده است. خانواده به‌عنوان نخستین پایگاه شخصیت، اساسی‌ترین عامل در فرایند تمایز یافتگی خود است که نحوه تعاملات خانوادگی می‌تواند مشخص کند که چقدر خود در یک فرد رشد یابد (بوئن، ۱۹۷۸). پژوهش‌های انجام شده نیز، حاکی از تأثیر خانواده بر سطح تمایز یافتگی خود در فرزندان است. به‌طور مثال تحقیقات نشان می‌دهند که عملکرد خانواده و تغییر در خانواده از جمله طلاق والدین (جانسون، تورنگرن و اسمیت، ۲۰۰۱)، وجود اختلالات رفتاری و مصرف بی‌رویه الکل در خانواده (کویلو، آلترمن، کاکویلا، راترفورد، و زانیس، ۲۰۰۴) و شیوه‌های فرزندپروری که والدین اتخاذ می‌کنند (شوارتز، تیگین و مونت کومری، ۲۰۰۶) تأثیر شگرفی بر سطح تمایز یافتگی فرزندان دارد. از سویی دیگر، مطالعات نشان داده‌اند بین دلبستگی به خدا با وقایع استرس‌آور زندگی و ناراحتی ارتباط منفی و معنی‌داری وجود دارد (مت‌برادرها، الیسون، مارکوم، ۲۰۱۰). بنابراین، می‌توان خداوند را به‌عنوان تکیه‌گاه دلبستگی به حساب آورد (روات، ۲۰۰۲). همچنین مطالعات نشان داده‌اند حس نارضایتی از خداوند، با ناامیدی و افسردگی مرتبط است (برام، موی، شاپ-جانکر، وان-تیلبورگ، ۲۰۰۸). تصویر منفی از خداوند با احساس گناه و علائم روانپزشکی مرتبط بود.

شاپ-جانکر، الیزابت، اورلینگس-بانتکو، هتی-زاک، جانکر (۲۰۰۸) نیز دریافتند کسانی که تصویر مثبتی از خداوند داشته‌اند، میزان خشونت و پرخاشگری در آنها کم بوده و بالعکس کسانی که تصویر منفی از خداوند داشته‌اند بیشتر مضطرب بوده، احساس تنهایی کرده و نسبت به دیگران با پرخاشگری رفتار می‌کنند. در تناقض با تحقیقات بالا، برخی از تحقیقات نیز در آمریکا نشان داده است که راهکارهای مقابله‌ای مذهبی بخصوص در مورد از دست‌دادن و فقدان شخص مورد دل بستگی منجر به دیسترس روانشناختی بیشتر (تامپسون، واردامان، ۱۹۹۷)، عزت نفس پایین، و اضطراب بیشتر در مشکلات ارتباطی می‌شود (پارگامنت، کوئینگ، پرز، ۲۰۰۰). به عبارتی دیگر مطالعات در اثربخشی راهکارهای مقابله‌ای مذهبی و دل بستگی به خدا در شرایط استرس‌زا، متناقض بوده است (آنو، واسکونسلس، ۲۰۰۵).

با توجه به مطالب مطرح شده، بهداشت روانی دانشجویان تنها برای آنان مفید نیست بلکه جامعه نیز از آن سود می‌برد. توانمندسازی دانشجویان، سطح فکری و فرهنگی جامعه را به طور فزاینده‌ای بالا می‌برد و دانشجویان به‌عنوان پرورش دهندگان نسل‌های آتی هرچه توانمندتر و آگاه‌تر در عرصه دانش و فن‌آوری باشند، نسل آتی از آن بیشتر بهره‌مند می‌شوند؛ و با توجه به نقش خانواده به‌عنوان تعیین‌کننده‌های رفتارها و واکنش‌های بعدی افراد در زندگی و همچنین با توجه به نقش محافظت‌کننده تمایز یافتگی خود و دل بستگی به خدا، پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بررسی عملکرد خانواده اصلی، تمایز یافتگی خود و دل بستگی به خدا در دانشجویان با و بدون شکست عاطفی انجام گرفت.

مواد و روش‌ها

طرح پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش در مقوله مطالعات علی-مقایسه‌ای (پس‌رویدادی) قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانشجویان دانشگاه‌های شهر اردبیل در سال ۹۳-۹۴ با دامنه سنی ۱۸-۲۸ سال بود که دست‌کم سه ماه از شکست عاطفی‌شان می‌گذشت، ولی نشانه‌های شکست در آنها باقی

مانده بود. نمونه پژوهش شامل ۱۰۰ نفر دانشجوی بدون شکست عاطفی (۵۰ نفر دانشجوی دختر، ۵۰ نفر دانشجوی پسر) و ۱۰۰ نفر دانشجوی با شکست عاطفی (۵۰ نفر دانشجوی دختر، ۵۰ نفر دانشجوی پسر) از جامعه آماری است که ملاک‌های ورود به پژوهش را که شامل (۱) مواجهه با شکست عاطفی، (۲) گذشت دست‌کم سه ماه از فروپاشی رابطه، (۳) نداشتن سوءمصرف مواد، (۴) نبود نشانه‌های روان‌پریشی و اختلال شخصیت، (۵) دامنه سنی ۱۸-۲۸ سال بود را، داشتند، این شیوه نمونه‌گیری را نمونه‌گیری هدفمند می‌نامند و هدف از آن انتخاب افرادی است که با هدف پژوهش مطابقت دارند. نمونه‌گیری با مراجعه دانشجویانی که به تازگی با فروپاشی یک رابطه عاطفی مواجه شده بودند، آغاز شد. پس از مراجعه دانشجویان، ابتدا مصاحبه بالینی و سپس پرسشنامه ضربه عشق، عملکرد خانواده اصلی، تمایز یافتگی خود و دل‌بستگی به خدا اجرا شد. تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS-22 و با آزمون‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) انجام شد.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه ضربه عشق: مقیاسی است که راس در سال ۱۹۹۹ برای سنجش شدت ضربه عشق تهیه کرده و از ده ماده ۴ گزینه‌ای تشکیل شده است. این پرسشنامه یک ارزیابی کلی از میزان آشفتگی جسمی، هیجانی، شناختی و رفتاری فراهم می‌کند. نقطه برش این پرسشنامه، ۲۰ در نظر گرفته می‌شود (راس، ۱۹۹۹). ضریب همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) این پرسشنامه ۰/۸۱ و ضریب اعتبار آن در ایران با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۸۳ به دست آمده است (دهقانی، ۱۳۸۹).

پرسشنامه تمایز یافتگی خود: این پرسشنامه برای سنجش میزان تمایز یافتگی زوجها به کار می‌رود. نسخه اولیه این پرسشنامه ۴۳ گویه‌ای ابتدا توسط اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) ساخته شد و سپس توسط اسکورن و اشمیت (۲۰۰۳) مورد تجدیدنظر گرفت. گویه‌های این پرسشنامه در طیف شش گزینه‌ای لیکرت (از یک برای به هیچ وجه درباره من درست نیست تا شش برای کاملاً درباره من درست است) مرتب شده‌اند و خرده

مقیاس‌های واکنش هیجانی (سوالات ۱، ۶، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۸، ۴۰)، موقعیت من (سوالات ۴، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۵، ۴۱، ۴۳)، جدایی هیجانی (سوالات ۲، ۳، ۸، ۱۲، ۱۶، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۲، ۳۶، ۳۹، ۴۲) و آمیختگی با دیگران (سوالات ۵، ۹، ۱۳، ۱۷، ۲۲، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۳۷) را می‌سنجد. پاسخ‌گویان در این پرسشنامه، نمره‌ای در دامنه ۲۳۴ تا ۳۹ کسب می‌کنند که نمره بیش‌تر به معنای تمایزیافتگی بیش‌تر و نمره کم‌تر به معنای تمایزیافتگی کم‌تر است. اسکورن و فریدلندر، همبستگی درونی پرسش‌ها را با آلفای کرونباخ برای پرسشنامه و خرده‌آزمون‌های آن به ترتیب کل پرسشنامه ۰/۸۸، واکنش هیجانی ۰/۸۳، جدایی هیجانی ۰/۸۰ گزارش کردند (کرامتی، ۱۳۹۱). پایایی پرسشنامه و خرده‌آزمون‌های آن در نمونه ایرانی در پژوهش نجف‌لویی به ترتیب برای کل پرسشنامه ۰/۷۲، واکنش هیجانی ۰/۸۱، جدایی هیجانی ۰/۷۶، آمیختگی با دیگران ۰/۷۹ و موقعیت من ۰/۶۴ گزارش شده است (نجف‌لویی، ۱۳۸۵؛ به نقل از بیرامی، فهیمی، اکبری، امیری پیچا کلایی، ۱۳۹۱).

پرسشنامه عملکرد خانواده: این پرسشنامه دارای ۵۳ گویه است و برای سنجیدن عملکرد خانواده بر اساس نظریه مک مستر، تدوین شده است. این ابزار در سال ۱۹۸۳ توسط اپشتاین، بالدوین و بیشاب با هدف توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه گردیده است و توانایی خانواده را در سازش با خود، وظایف خانوادگی و با یک مقیاس خود گزارش‌دهی مورد سنجش قرار می‌دهد. که به صورت یک طیف لیکرت ۵ گزینه (اصلاً، کم، به‌طور متوسط، زیاد، کاملاً) تنظیم شده است. پرسشنامه حاضر دارای هفت خرده‌مقیاس می‌باشد که عبارتند از: ارتباط (سوالات ۳، ۱۴، ۱۸، ۲۲، ۲۹، ۳۵، ۴۳، ۵۲، ۵۹)، آمیزش عاطفی (۵، ۱۳، ۲۵، ۳۳، ۳۷، ۴۲، ۵۴)، ایفای نقش (سوالات ۴، ۸، ۱۰، ۱۵، ۲۳، ۳۰، ۳۴، ۴۰، ۴۵، ۵۳، ۵۸)، حل مشکل (سوالات ۲، ۱۲، ۲۴، ۳۸، ۵۰، ۶)، همراهی عاطفی (سوالات ۹، ۱۹، ۲۸، ۳۹، ۴۹، ۵۷)، کنترل رفتار (سوالات ۷، ۱۷، ۲۰، ۲۷، ۳۲، ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۵۵) و عملکرد کلی (سوالات ۱، ۶، ۱۱، ۱۶، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۳۶، ۴۶، ۵۱، ۵۶)، که از جمع نمرات خرده‌مقیاس‌های هفت‌گانه، نمره کل FAD حاصل می‌شود. اعتبار و روایی ابزار سنجش عملکرد خانواده پس از تهیه توسط اپشتاین

و همکاریانش، در سال ۱۹۸۳ بر روی یک نمونه ۵۰۳ نفری اجرا شد. دامنه ضریب آلفای مجموعه‌ها بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ نشان‌دهنده همسانی درونی بالای آن است. در ایران‌زاده محمدی و ملک‌خسروی (۱۳۸۵) ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه را ۰/۹۴ و برای خرده‌مقیاس‌های کارکرد کلی ۰/۷۸، حل مساله ۰/۷۲، ارتباط ۰/۷۰، نقش‌ها ۰/۷۱، همراهی عاطفی ۰/۷۳، کنترل رفتار ۰/۶۶ و آمیزش عاطفی ۰/۷۱ گزارش کرده‌اند. همچنین در تحقیق قمری و خوشنام (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۲ و برای خرده‌مقیاس‌های عملکرد کلی، حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، کنترل رفتار و آمیزش عاطفی به‌ترتیب ۰/۸۲، ۰/۵۷، ۰/۶۰، ۰/۶۲، ۰/۶۳، ۰/۶۳ و ۰/۷۳ بود. ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های حل مسئله، ابراز عواطف و کل مقیاس را در FAD به‌ترتیب ۰/۹۲، ۰/۷۵، ۰/۹۳ گزارش نموده است (به نقل از ساعتچی، کامکاری و عسکریان، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر برای این پرسشنامه آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به‌دست آمد.

پرسشنامه دلبستگی به خدا: این مقیاس، ۲۸ گویه‌ای است که در سال ۲۰۰۴ توسط بک و مک‌دونالد ساخته شده است. این آزمون به‌صورت لیکرت ۷ گزینه‌ای (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) است که محتوای سوالات درباره رابطه فرد با خدا بوده و هر شخص با توجه به نوع رابطه خودش با خدا، باید یکی از گزینه‌ها را انتخاب کند. این مقیاس، چهار عامل ارتباط با خدا (سوالات ۱ تا ۸)، توکل به خدا (سوالات ۹ تا ۱۳)، اعتماد در برابر عدم اعتماد (سوالات ۱۴ تا ۱۸) و توجه به خدا (سوالات ۱۹ تا ۲۴) را می‌سنجد. بک و مک‌دونالد (۲۰۰۴) ضریب پایایی این پرسشنامه را به‌روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ برآورد کرده‌اند. زاهدبابلان، رضایی‌جمالویی، سبحانی‌حرفتی (۱۳۹۱)، ضریب پایایی این مقیاس را ۰/۸۵ برآورد کردند. علیایی، سامانی، و فانی (۱۳۹۰) برای سنجش روایی همگرای این مقیاس از مقیاس عزت‌نفس کوپراسمیت (۱۹۶۷) استفاده کردند و نشان دادند که این مقیاس دارای روایی مناسب برای استفاده پژوهشگران و متخصصان در ایران است. در این پژوهش ضریب پایایی ۰/۸۶ به‌دست آمد.

یافته‌های تحقیق

میانگین و انحراف معیار سنی دانشجویان با شکست عاطفی و بدون شکست عاطفی به ترتیب ۲۴ و ۳/۲۴ بود. قبل از استفاده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره، پیش‌فرض همگنی واریانس با آزمون لوین مورد بررسی قرار گرفت. مطابق با نتایج جدول (۱)، پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها در متغیرهای عملکرد خانواده اصلی، تمایز یافتگی خود، و دلبستگی به خدا دو گروه تأیید شد. این آزمون برای هیچ‌کدام از متغیرها معنی‌دار نبود. برای بررسی فرض همگنی کوواریانس‌ها از آزمون باکس استفاده شد و نتایج نشان داد که مقدار باکس معنادار نیست و در نتیجه پیش‌فرض تفاوت بین کوواریانس‌ها برقرار است. همچنین جهت بررسی همبستگی میان متغیرها و این که ماتریس همبستگی‌های مشاهده شده متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای ناهمبسته است، از آماره کرویت بارتلت استفاده شد، نتایج این آزمون معنی‌دار بود، به این مفهوم که فرض مخالف تأیید گردید یعنی بین متغیرها همبستگی معنی‌دار وجود دارد، و این ماتریس مذکور برای تحلیل‌های بعدی مناسب است.

جدول (۱) نتایج آزمون لوین برای عملکرد خانواده اصلی، تمایز یافتگی خود، و دلبستگی به خدا در دانشجویان با و بدون شکست عاطفی

متغیر	F	درجه آزادی (۱)	درجه آزادی (۲)	سطح معنی‌داری
عملکرد خانواده اصلی	۳/۶۹	۱	۸۸	۰/۵۳۹
تمایز یافتگی خود	۱/۲۵۶	۱	۸۸	۰/۳۲۰
دلبستگی به خدا	۰/۰۲۵	۱	۸۸	۰/۲۴۱

جدول (۲) نتایج آزمون معناداری تحلیل واریانس چندمتغیری بر میانگین نمره‌های عملکرد خانواده اصلی، تمایز یافتگی خود، و دلبستگی به خدا در دانشجویان با و بدون شکست عاطفی

آزمون	ارزش	F	درجه آزادی	درجه آزادی	خطا	سطح معنی‌داری	مجذور اتا Δ^2
اثر بیلابی	۰/۸۸۵	۴/۰۳۱	۳/۰۰۰	۱۱۶/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۱۱۵	۰/۱۱۵
لامبدای ویلکز	۰/۱۱۵	۴/۰۳۱	۳/۰۰۰	۱۱۶/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۱۱۵	۰/۱۱۵
اثر هتلینگ	۰/۱۳۰	۴/۰۳۱	۳/۰۰۰	۱۱۶/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۱۱۵	۰/۱۱۵
بزرگ‌ترین ریشه‌روی	۰/۷۷۸	۴/۰۳۱	۳/۰۰۰	۱۱۶/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۱۱۵	۰/۱۱۵

با توجه به نتایج ارایه شده در جدول (۲) مشاهده می‌شود که اثر کلی گروه معنی‌دار است، چرا که F مربوط به اثرات لامبدای ویلکز برابر با (۴/۰۳۱) با درجه آزادی (۳) در سطح $P < ۰/۰۰۰$ و مجذور اتا (که در واقع مجذور ضریب همبستگی بین متغیرهای وابسته و عضویت گروهی است) نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه با توجه به متغیرهای وابسته معنادار است و میزان این تفاوت ۱۱ درصد است یعنی ۱۱ درصد واریانس به اختلاف بین دو گروه در تأثیر متقابل متغیرهای وابسته مربوط است. این نتایج نشان می‌دهد که بین گروه‌های دانشجویان با و بدون تجربه شکست عاطفی حداقل از نظر یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

جدول (۳) نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری عملکرد خانواده اصلی، تمایز یافتگی خود و دل‌بستگی به خدا در دانشجویان با و بدون شکست عاطفی

متغیر	دانشجویان	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	میانگین مجذورات آزادی	درجه لامبدای ویلکز p	ضریب F معنی‌داری	سطح
ارتباط	بدون شکست عاطفی	-۳/۵۰	۰/۳۲۷	۲۹۵/۲۱	۱	۱۰۲/۸۵	$P < ۰/۰۰۰$
آمیزش عاطفی	بدون شکست عاطفی	-۲/۶۱	۰/۳۷۶	۱۶۸/۱۰	۱	۴۲/۹۲	$P < ۰/۰۰۰$
ایفای نقش	بدون شکست عاطفی	-۲/۸۴	۰/۳۷۳	۱۹۰/۶۷	۱	۵۶/۸۰	$P < ۰/۰۰۰$
حل مشکل	بدون شکست عاطفی	-۲/۲۹	۰/۵۳۲	۱۳۲/۰۱	۱	۲۱/۲۴	$P < ۰/۰۰۰$
همراهی عاطفی	بدون شکست عاطفی	-۳/۲۶	۰/۴۲۱	۱۷۳/۶۱	۱	۴۰/۲۵	$P < ۰/۰۰۰$
کنترل رفتار	بدون شکست عاطفی	-۲/۹۸	۰/۴۵۶	۱۷۸/۲۱	۱	۴۵/۲۳	$P < ۰/۰۰۰$
عملکرد کلی	بدون شکست عاطفی	-۲/۳۷	۰/۵۸۹	۱۲۲/۳۴	۱	۲۸/۱۶	$P < ۰/۰۰۰$
واکنش هیجانی	بدون شکست عاطفی	-۱/۹۱	۰/۶۲۸	۱۶/۱۳۳	۱	۲/۱۰۶	$P < ۰/۰۰۰$
موقعیت من	بدون شکست عاطفی	-۱/۸۰	۰/۶۶۳	۶/۵۳۳	۱	۱/۵۴۸	$P < ۰/۰۰۰$

ادامه جدول (۳)

متغیر	دانشجویان	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	میانگین مجزورات	درجه آزادی	لامبدای ویلکز p	ضریب F	سطح معنی‌داری
جدایی هیجانی	بدون شکست عاطفی	-۲/۷۱	۰/۶۲۹	۳/۶۷۵	۱	۰/۰۰۰	۰/۶۹۱	$P < ۰/۰۰۰$
آمیختگی با دیگران	بدون شکست عاطفی	-۰/۶۶۶	۰/۶۹۳	۱۲/۲۳۳	۱	۰/۰۰۰	۳/۱۲۳	$P < ۰/۰۰۰$
توجه به خدا	بدون شکست عاطفی	-۱/۳۴	۰/۴۴۵	۱۲/۴۵۳	۱	۰/۰۰۰	۴/۲۲۱	$P < ۰/۰۰۰$
اعتماد در برابر عدم اعتماد	بدون شکست عاطفی	-۲/۷۸	۰/۶۶۷	۲۳/۶۵۸	۱	۰/۰۰۰	۲/۵۴۶	$P < ۰/۰۰۰$
توکل به خدا	بدون شکست عاطفی	-	۰/۷۸۲	۱۱/۵۷۸	۱	۰/۰۰۰	۳/۷۶۹	$P < ۰/۰۰۰$
ارتباط با خدا	بدون شکست عاطفی	-۱/۵۶	۰/۸۷۹	۲۱/۸۷۶	۱	۰/۰۰۰	۱/۴۵۷	$P < ۰/۰۰۰$

مطابق مندرجات جدول (۳) چنین استنباط می‌شود که تفاوت گروه‌های مورد مطالعه (دانشجویان با و بدون شکست عاطفی) در متغیرهای ارتباط، آمیزش عاطفی، ایفای نقش، حل مشکل، واکنش هیجانی، موقعیت من، جدایی هیجانی، آمیختگی به دیگران، توجه به خدا، اعتماد در برابر عدم اعتماد، توکل به خدا و ارتباط با خدا از نظر آماري معنی‌دار است، چرا که F محاسبه شده برای این متغیرها معنی‌دار است لذا نتیجه می‌گیریم که بین دانشجویان با و بدون شکست عاطفی در متغیرهای یاد شده تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همانطور که مشاهده می‌شود دانشجویان با تجربه شکست عاطفی در ارتباط ($P=۰/۰۰۰$)، آمیزش عاطفی ($P=۰/۰۰۰$)، ایفای نقش ($P=۰/۰۰۰$) و حل مشکل ($P=۰/۰۰۰$)، همراهی عاطفی ($P=۰/۰۰۰$)، کنترل رفتار ($P=۰/۰۰۰$)، عملکرد کلی ($P=۰/۰۰۰$)، واکنش هیجانی ($P=۰/۰۱۲$)، موقعیت من ($P=۰/۰۲۸$)، جدایی هیجانی ($P=۰/۰۰۰$)، آمیختگی با دیگران ($P=۰/۰۳۲$)، توجه به خدا ($P=۰/۰۰۰$) اعتماد

در برابر عدم اعتماد ($P=0/000$)، توکل به خدا ($P=0/000$)، ارتباط با خدا ($P=0/000$)، نمرات پایین‌تری از دانشجویان بدون تجربه شکست عاطفی به دست آورده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که از بین مؤلفه‌های عملکرد خانواده اصلی، چهار زیر مؤلفه ارتباط، آمیزش عاطفی، ایفای نقش و حل مشکل به‌طور معنی‌دار در دو گروه دانشجویان با و بدون شکست عاطفی متفاوت است؛ بدین‌گونه که میانگین زیرمؤلفه‌های ارتباط، آمیزش عاطفی، ایفای نقش و حل مشکل در دانشجویان با تجربه شکست عاطفی کمتر از دانشجویان بدون تجربه شکست عاطفی می‌باشد؛ در حالی که میانگین دانشجویان بدون تجربه شکست عاطفی در زیرمؤلفه‌های ذکر شده بیشتر از دانشجویان با تجربه شکست عاطفی می‌باشد. ولی در زیرمؤلفه‌های عملکرد کلی، همراهی عاطفی و کنترل رفتار بین دو گروه تفاوت معنی‌دار مشاهده نشد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های (امیری پچاکالایی، ۱۳۹۱؛ مکدرموت، ۲۰۰۸؛ استایل، ۲۰۰۴؛ فتاح زاده، ۱۳۸۸؛ سیلیورن، ۲۰۰۶) همسو می‌باشد. همچنین در زیر مؤلفه ارتباط نیز بین دو گروه خانواده‌ها تفاوت معنی‌داری یافت شد. می‌توان چنین استنباط کرد که ارتباط مختل در خانواده این افراد، خود سبب سردرگمی بیشتر اعضا گشته و زمینه را برای سردرگمی نقش‌های بزرگسالی بیشتر می‌کند. اختلال در کارکرد خانواده اعضای آن را دچار سردرگمی، نگرانی و مشکلات ارتباطی می‌سازد و سلامتی اعضای آن را به مخاطره می‌اندازد. در واقع آنچه در خانواده دانشجویان اتفاق می‌افتد و نحوه عملکرد آن در انعطاف‌پذیری و سازگاری با شرایط و موقعیت‌های دشوار یک عامل کلیدی به‌شمار می‌آید. در خانواده‌های دارای عملکرد مناسب، حل مساله به‌طور مناسب اتفاق می‌افتد، نقش‌ها و مسئولیت‌ها روشن، واضح و انعطاف‌پذیر هستند، ارتباطات مستقیم بوده و ارتباطات کلامی با علائم چهره و زبان همخوان است، همراهی عاطفی و نظارت مناسب وجود دارد، تعارض‌ها مطرح و حل و فصل می‌شوند (قمری و خوشنام، ۱۳۹۰). با توجه به اینکه دانشجویان با عملکرد خانواده مطلوب، بهزیستی روانشناختی بالا (ویت، لئو، و لوین، ۲۰۰۹) و خود ارزیابی

سلامتی بالایی (آمبرسون، ویلیامز، پاورز، لیو، و نیدهام، ۲۰۰۶) دارند، چنین مزایایی می‌تواند در مقابله موثر با حوادث تروماتیک تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد که در خانواده دانشجویان با تجربه شکست عاطفی به دلیل نبود مؤلفه‌های بالا، مقابله بهتر با این حوادث صورت نمی‌گیرد.

همچنین پژوهش نشان داد که بین زیرمؤلفه‌های واکنش هیجانی، موقعیت من، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران در مؤلفه تمایز یافتگی خود در دانشجویان با و بدون تجربه شکست عاطفی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج این یافته با نتایج پژوهش‌های (تیسون و فریدلندر، ۲۰۰۰؛ پلگ پایکو، ۲۰۰۲؛ مومنی و علیخانی، ۱۳۹۲) همسو می‌باشد. با توجه به اینکه که افراد تمایز یافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند، آن‌ها می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب کنند و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیرارادی و گرفتن تصمیمات نافرجام می‌شود، کنترل خود را از دست ندهند و با در نظر گرفتن عقل و منطق تصمیم‌گیری کنند. در مقابل، افراد تمایز نیافته که هویت تعریف‌شده‌ای از خود ندارند و در نقش‌ها و مسایل بین شخصی موجود همراه با موج عاطفی خانواده حرکت می‌کنند، اضطراب مزمن بالایی را تجربه می‌کنند و مستعد مشکلات روان‌شناختی و بروز نشانه‌های بیماری هستند (شکیبایی، ۱۳۸۵). در مورد شکست عاطفی و بد کارکردی در روابط بین فردی، افراد با تمایز یافتگی پایین، به صورت هیجانی به موقعیت پاسخ می‌دهند و برای این افراد در مواقع استرس‌زا بسیار سخت است که خود را آرام نگه دارند، در سردرگمی و گیجی به سر می‌برند و غرق در اضطراب شده و ناتوان از پاسخ‌گویی به استرس می‌شوند (نیکولز، و شوارتز، ۲۰۰۰). لذا با توجه به اینکه در تحقیق حاضر، تمامی مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود بین دو گروه دانشجویان با و بدون شکست عاطفی معنادار بود، بدیهی به نظر می‌رسد که دانشجویان دارای تجربه شکست عاطفی، به دلیل پایین بودن هم‌آمیختگی با دیگران، گریز عاطفی و واکنش هیجانی بالا در مقابله موثر با رویدادهای تروماتیک، آسیب‌پذیرتر باشند. به عبارتی دیگر، در حوزه ارتباطات بین فردی، تمایز یافتگی بالا، با حس رشد یافته‌ای از خود و خودمختاری شخصی در کنار حفظ روابط صمیمی با

دیگران مهم، همراه است. در نتیجه افراد با خودتمایز یافتگی پایین درصدد راضی نگه داشتن دیگران به قیمت از دست دادن حس خود و بریدن عاطفی از دیگران هستند.

نتایج آخر پژوهش حاضر نشان داد که دانشجویان با تجربه شکست عاطفی در تمامی زیرمؤلفه‌های دلبستگی به خدا تفاوت معنی‌داری با دانشجویان بدون تجربه شکست عاطفی داشتند. نتایج این یافته با نتایج یافته‌های (حدادی کوهسار، غباری بناب، ۲۰۱۱؛ نیوتن، و مک‌اینتاش، ۲۰۱۰؛ برام و همکاران، ۲۰۰۸) همسو می‌باشد. با توجه به نقش محافظت‌کننده دلبستگی به خدا در برابر استرس، اضطراب و افسردگی (حدادی کوهسار و همکاران، ۲۰۱۱؛ اکسایل، یالی، ساندرسون، ۲۰۰۰) دانشجویان دارای تجربه شکست عاطفی به دلیل علائم افسردگی، ناامیدی، و تنش، دید منفی نسبت به خداوند داشته و میزان توکل به خدا، اعتماد و توجه به خدا در این گروه نسبت به دانشجویان بدون تجربه شکست عاطفی پایین است. این گروه به دلیل علائم ناشی از ضربه عشق، دید منفی نسبت به دیگران و خداوند پیدا کرده و نسبت به روابط بین فردی با خشونت برخورد خواهند کرد، و در برابر استرس‌های زندگی از راهکارهای مقابله‌ای نامناسب استفاده می‌کنند. چنانچه نیوتن، و مک‌اینتاش (۲۰۱۰) دریافته‌اند که بین تصویر مثبت از خداوند و راهکارهای مقابله‌ای کارآمد ارتباط وجود دارد. این گروه به دلیل عدم دلبستگی به خداوند و اعتماد به افراد دیگر، دست به راهکارهای مقابله‌ای نامناسب زده و حتی منجر به خودکشی شود. نتیجه حاصل از این تحقیق همسو با تحقیق دیگر (آنو و واسکونسلس، ۲۰۰۵) این یافته را تایید کرد که راهکارهای مقابله‌ای مذهبی و دلبستگی به خدا به عنوان یک کارکرد محافظتی و سازگارانه برای فرد در برابر حوادث آسیب‌زا عمل می‌کند. چنانچه مطالعه اکسلاين، یالی و سندرسون (۲۰۰۰) نیز نشان داد که افراد با علائم افسردگی و تجربه شکست در مسائل عاطفی و بین فردی، تصویر منفی از خدا دارند.

با توجه به اینکه مطالعه حاضر از نوع همبستگی است نه آزمایشی، بنابراین ادعای روابط علی در میان متغیرهای مورد مطالعه ممکن نیست. اگرچه می‌توان نتیجه گرفت

که بین عملکرد خانواده اصلی، تمایزیافتگی خود و دلبستگی به خدا با شکست عاطفی رابطه وجود دارد، اما نمی‌توان ادعا کرد که عملکرد خانواده، تمایزیافتگی خود یا دلبستگی به خدا علت شکست عاطفی است. با این که این محدودیت ارزش یافته‌های فعلی را نمی‌کاهد، اما نتایجی که می‌توان راجع به متغیرهای مورد مطالعه گرفت را محدود می‌کند. همچنین از جمله محدودیت‌های این پژوهش این است که پژوهش حاضر در محدوده خاصی انجام گرفته است و نمی‌توان یافته‌های آن را به تمامی بزرگسالان نسبت داد. در واقع پژوهش حاضر یک بررسی مقدماتی در حیطه شکست‌های عاطفی در قشر جوان کشور است. پیشنهاد می‌شود متغیرهای دیگر روان‌شناختی موثر بر شکست عاطفی مورد بررسی قرار گیرد تا در پژوهش‌های آتی در ارائه مدلی برای تبیین این مقوله استفاده گردد.

سپاس‌گزاری

نویسندگان مقاله از کلیه همکاران و دانشجویان گرانقدر و افرادی که در تکمیل کار پژوهشی حاضر همکاری لازم را با نویسندگان داشتند کمال تشکر و قدردانی را دارند. این مقاله بر گرفته از طرح پژوهشی مصوب دانشگاه محقق اردبیلی می‌باشد.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۲

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۵/۰۱

منابع

- امیری پیچاکالایی، ا؛ خانجانی، ز؛ پورشریفی، ح؛ عظیمی، ز؛ فهیمی، ص؛ اکبری، ا؛ و همکاران (۱۳۹۱). بررسی مقدماتی علل تداوم نشانگان بالینی شکست عاطفی دانشجویان با تأکید بر سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه، اندیشه و رفتار، دوره ششم، شماره ۲۳.
- پورشریفی، ح؛ پیروی، ح؛ طارمیان، ف؛ زرانی، ف؛ وقار، م؛ جعفری، ع.ا. (۱۳۸۳). بررسی سلامت روان بین دانشجویان ورودی ۱۳۸۳ در بین دانشگاه‌های تحت وزارت علوم؛ سومین سمینار سراسری بهداشت روان دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور.
- تقی‌یاره، ف؛ مظاهری، م. ع؛ آزادفلاح، پ. (۱۳۸۷). بررسی ارتباط سطوح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان، مجله روانشناسی، ۲۳، ۲۱-۱.
- زاهد بابلان، ع. رضایی جمالویی، ح؛ سبحانی حرفتی، ر. (۱۳۹۱). رابطه دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با معناداری در زندگی دانشجویان، دانش و پژوهش دانشگاه آزاد واحد خوارسگان، دوره سوم، شماره ۴۹.
- شکیبایی، ط. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر آموزش خود متمایزسازی بر سلامت روان زنان پس از طلاق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- علیایی، ز؛ سامانی، س؛ فانی، ح.ا. (۱۳۹۰). بررسی روایی و پایایی مقیاس دلبستگی به خدا، روش‌ها و مدل‌های روانشناختی، دوره دوم، شماره ۲.
- فتاح‌زاده، ا. (۱۳۸۸). مقایسه کیفیت زندگی و عملکرد خانواده در کارکنان خشنود و ناخشنود پالایشگاه شازند اراک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی اراک.
- مومنی، خ؛ علیخانی، م. (۱۳۹۲). رابطه عملکرد خانواده، تمایز یافتگی خود و تاب‌آوری با استرس، اضطراب و افسردگی در زنان متأهل شهر کرمانشاه، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، دوره سوم، شماره ۲.
- Ano, G.G., Vasconcelles, E.B. (2005). Religious coping and psychological adjustment to stress: a meta-analysis, *Journal of clinical psychology*, 61(4), 461-480.
- Beck, R, & McDonald, A. (2004). Attachment to God: the attachment to God inventory, tests of working model correspondence, and an exploration of faith group differences, *Journal of psychology and theology*, 32, 22-103.

-
- Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*, New York: Jason Aronson.
- Braam, A.W., Mooi, B., Schaap Jonker, J., Van Tilburg, W. D.J. (2008b). God image and Five-Factor Model personality characteristics in later life: A study among inhabitants of Sassenheim in The Netherlands, *Mental Health, Religion & Culture*, 11(6), 547-559.
- Chung, H. & Gale, H. (2006). Comparing Self-differentiation and psychological well-being between Korean and European American Students, *Contemporary Family Therapy*, 28(3), 367-381.
- Coviello, D.M., Alterman, A.I., Cacciola, J.S., Rutherford, M. J., Zanis, D. A. (2004). The role of family history in addiction severity and treatment response, *Journal of Substance Abuse Treatment*, 26(1), 303-313.
- Davis, D., Shaver, P.R., Vernon, M.L. (2003). Physical, emotional, and behavioral reactions to breaking up: The roles of gender, age, emotional involvement, & attachment style, *Personality and Social Psychological Bulletin*, 29, 871-884.
- Exline, J.J., Yali, A.M., & Sanderson, W.C. (2000). Guilt, discord, and alienation: The role of religious strain in depression and suicidality. *Journal of Clinical Psychology*, 56, 1481-1496.
- Fahmy, M.S. (2015). Love's Reasons. *Journal of value inquiry*, published online 15 september.
- Haddadi Koohsar, A.A., Ghobary Bonab, B. (2011). Relation between quality of image of God with anxiety and depression in college students, *Procedia-social and behavioral science*. 29, 252-256.
- Hooper, L.M. & DePuy, V. (2010). Community Sample Mediating and Moderating Effects of Differentiation of Self on Depression Symptomatology in a Rural Community Sample, *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 18(4), 358-368.
- Johnson, P. & Buboltzjr, W.C. (2000). Differentiation of self and psychological reactance, *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, 22(1), 91-96.
- Johnson, P., Thorngren, J.M., & Smith, A.J. (2001). Parental Divorce and Family Functioning: Effects on Differentiation Levels of Young Adults. *The Family Journal*, 9(3), 265-272.
-

-
- Kerr, M.E. & Bowen, M. (1988). Family evaluation, New York: Norton.
- Kline, S.L., Horton, B., Zhang, S.H. (2008). Communicating love: Comparisons between American and East Asian university students, *International Journal of Intercultural Relations*, 32, 200–214.
- Laursen, B., Furman, W., & Mooney, K.S. (2006). Predicting interpersonal competence and self-worth from adolescent relationships and relationship networks: Variable-centered and person-centered perspectives. *Merrill-Palmer Quarterly*, 52(3), 575–600.
- Matt Brdshaw, A., Ellison, C.G., Marcum, J.P. (2010). Attachment to God, Images of God, and psychological Distress in a Nationwide sample of Presbyterians, *International Journal for the psychology of Religion*, 20(2), 130–147.
- McDermott, N. (2008). Early maladaptive schemas, attachment, negative affect and relationship satisfaction, MA thesis, Rowan University.
- Maynard, S. (1997). Growing up in an alcoholic family system: The effect on anxiety and differentiation of self, *Journal of Substance Abuse*, 9, 161-170.
- Newton, A.T. & McIntosh, D.N. (2010). Specific religious beliefs in a cognitive appraisal model of stress and coping. *International Journal for the Psychology of Religion*, 20(1), 39-58.
- Nichols, M.P., & Schwartz, R.C. (2000). *Family therapy: Concepts and methods* (5th ed.), Boston: Allyn & Bacon.
- Pargament, K.I., Koenig, H.G., & Perez, L. (2000). The many methods of religious coping: Development and initial validation of the RCOPE, *Journal of Clinical Psychology*, 56(4), 519–543
- Peleg-Popko, O. (2002). Bowen theory: a study of differentiation of self, social anxiety, and physiological symptoms, *Contemporary Family Therapy*, 24(2), 355-369.
- Rosse, R.B. (1999). The love trauma syndrome: free yourself from the pain of a broken, Perseus Publishing, a Member of the Perseus Books Group.
- Rowatt, W.C., & Kirkpatrick, L.A. (2002). Two dimensions of attachment to God and their relation to affect, religiosity, and personality constructs. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41(4), 637-651.
-

-
- Schaap-Jonker, H., Elisabeth, H.M., Eurelings-Bontekoe, b., Hetty Zock, c., Jonker, E. (2008). Development and validation of the Dutch Questionnaire God Image: Effects of mental health and religious culture, *Mental Health, Religion & Culture*, 11(5), 501-515.
- Schwartz, J.P., Thigpen, S.E., Montgomery, J.K. (2006). Examination of emotional processing parenting styles and differentiation of self, *The Family Journal*, 14, 41-48.
- Stiles, O. E. (2004). Early maladaptive schemas and intimacy in young adult's romantic relationships. Unpublished doctoral dissertation, Alliant International University, San Francisco. Available: www.Proquest.com.
- Silborn, S., Zubrick, S., De Maio, J., Shepherad, C., Greeffin, J. (2006). The western Australian Aboriginal child health survey: Strengthening the capacity of Aboriginal children, families and communities. Perth Curtin University of technology and telethon institute for child health research [On-line], Available: www.childhealthresearch.com.au/waachs/publications/.
- Skowron, E.A. & Friedlander, M.L. (1998). The differentiation of self inventory: Development and initial validation, *Journal of Counseling Psychology*, 45(3), 235-246.
- Tuason, M.T., Friedlander, M.I. (2000). Do parent's differentiation levels predict those of their adult children? And other tests of Bowen theory in a Philippine sample, *Journal of Counsel Psychol*, 47, 27-35.
- Umberson, D., Williams, K., Powers, D.A., Liu, H., & Needham, B. (2006). You make me sick: Marital quality and health over the life course, *Journal of Health and Social Behavior*, 47, 1-16.
- Williamson, I. Sandage, S.J. & Lee, R.M. (2007). How social connectedness affects guilt and shame: Mediation by hope and differentiation of self, *Personality & Individual Differences*, 43(8), 2159-2170.
- Waite, L.J., Luo, Y., & Lewin, A.C. (2009). Marital happiness and marital stability: Consequences for psychological well-being, *Social Science Research*, 38, 201-212.